

سال ۹۲ در کشور عملی می‌گردد، هنوز سازوکارهای نظارتی و ابزارهای آن به طور کامل به راه نیفتاده‌اند و این مسأله کار نهادهای نظارتی را سخت می‌نماید. در کنار موارد فوق، با تغییر رویکرد جدید دیوان که به جای بررسی قانونی مصارف مندرج در بودجه، به بررسی کیفی عملکرد دولت و دستگاه‌های وابسته به آن می‌پردازد، احتمالاً در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد کنترل هر چه بیشتر انحراف بودجه‌ای دولت، وزارتخانه‌ها، نهادها و مؤسسات وابسته به آن خواهیم بود. در هر صورت امیدواریم دستگاه‌های نظارتی کشور و به طور خاص نهاد دیوان محاسبات که با دخل و خرج دولتی و بیت‌المال کشور در ارتباطند، با تبیین شاخص‌های نوین نظارتی در جهت کارآمدتر کردن نظام اقتصادی دولتی و تقویت نظام اقتصادی کشور گام بردارند. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «دخل و خرج دولت زیر ذره‌بین دیوان محاسبات» در صفحات ۳۲ - ۳۳ می‌خوانیم.

از دیدگاهی، کشورداری در کشور ما دشوار است. در این راه دشوار، دولت‌ها به عنوان قوه اجرایی گاهی مجبورند به سیاست‌هایی دست بزنند که ضرورت دارد. به عبارت دیگر "تخلف" در کار دیوان مترادف با "فساد" نیست، بلکه "واخواهی" است. از سوی دیگر، دولت‌ها نباید بتوانند بدون قانون و دل‌بخوایی و سلیقه‌ای حکومت کنند. سیستم نظارت و موازنه را باید گرامی داشت. از طرفی، هر چه دولت‌ها بودجه را واقعی‌تر به مجلس تقدیم کنند، تخلف کمتر خواهد بود.

این که در حال حاضر دیوان محاسبات در تلاش است با برقراری سامانه نظارت الکترونیک (سنا) به نظارت آن‌لین نهادها و دستگاه‌های دولتی بپردازد، حرکتی است که در اقتصادهای پیشرفته دنیا نمونه آن را می‌توان مثال زد. مجریان این طرح معتقدند اجرای این نوع از نظارت می‌تواند به پیشگیری ۹۰ درصدی انحرافات بی‌انجامد و این حرکت نویدبخش موفقیت‌هایی است که در آینده می‌توان در راستای تعهد و الزام‌آوری دولت‌ها به اجرای منضبط بودجه کسب کرد. البته باید اذعان داشت، از آنجا که سامانه مذکور از

سیاست داخلی، یارانه‌ها و سیاست خارجی، سه آبخشور اقتصاد ۸۹

مشق شب ۸۹ دولت

تحلیل دکتر سهراب شهابی، استاد دانشکده روابط بین‌الملل و وزارت خارجه و عضو هیأت چشم‌انداز «اقتصاد ایران»، از آینده اقتصادی کشور



در بخش‌هایی نظیر مسکن هم حداقل ۲ تا ۳ سال طول می‌کشد که سرمایه‌گذاری صورت گرفته به بار بنشیند. بنابراین در شرایطی که جو حاکم قابل پیش‌بینی نیست و حداقل، افراد درک دقیقی از آینده ندارند، در بهترین حالت، سرمایه‌گذاری کند می‌شود.

برخی حوادث در سال گذشته در شرایطی رخ دادند که کشور با عوامل بیرونی نظیر بحران مالی و تبعات آن دست به گریبان بود. از طرف دیگر، دولت طرح‌هایی نظیر حذف صفر از پول ملی یا هدفمند کردن یارانه‌ها را در دستور کار داشت که اگرچه طرح‌های مذکور در نوع خود اقدامات مثبتی به شمار می‌روند، اما باید به سرمایه‌گذاران هم توجه داشت. در شرایط کلی که اقتصاد جهانی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو است، اگر جو سیاسی داخل کشور ناآرام باشد، با توجه به این که دولت سیاست‌های جدید اقتصادی را در دست بررسی دارد و هر یک از این سیاست‌ها می‌تواند شرایط سرمایه‌گذاری را به کلی تغییر دهد، نیازمند تدابیر ویژه‌ای در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی خواهیم بود. به طور مثال، بسیاری از صنایع کشور در حال حاضر به یارانه‌ها متکی هستند و حذف این یارانه‌ها، عملاً فعالیت در آن بخش‌ها را غیراقتصادی می‌کند. صنایع مرغداری کشور که در بسیاری از مناطق به سوخت ارزان متکی هستند، مثالی از این مقوله است. با این وجود، در این شرایط، سرمایه‌ها به سمت خرید اوراق مشارکت، طلا و دیگر کالاهای سرمایه‌ای سوق پیدا می‌کنند که آمارهای موجود نیز همگی حکایت از افزایش تقاضا برای اوراق مشارکت بانک‌ها، طلا و سکه دارند.

دشواری‌های هدفمند کردن یارانه‌ها

هیچ کس در خصوص لزوم هدفمند کردن یارانه‌ها و اصلاح نظام اعطای

با نگاهی به مجموعه وقایعی که در سال گذشته، اقتصاد کشور را تحت الشعاع خود قرار داد، می‌توان گفت سال ۸۸ از منظر اقتصادی نسبت به سال‌های قبل، چندان موفق نبوده است. حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری که فضای سیاسی ناشی از آن، فضای اقتصادی کشور را هم تحت الشعاع قرار داد، مردم و سرمایه‌گذاران را به انتظاری جهت اصلاح جو فعلی جامعه و ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی در کشور فرو برد. از سوی دیگر، برخی برنامه‌ها که از سال‌های قبل آغاز شده بودند، تبعاتی را با خود به همراه داشتند که از آن جمله می‌توان به طرح بنگاه‌های زود بازده و مشکلاتی اشاره کرد که برای بانک‌های کشور از بُعد نقدینگی و اعطای تسهیلات به وجود آمد. عامل سوم نیز بحران مالی جهانی بود که اثرات آن - هرچند با تأخیر - به کشور ما وارد شد و اقتصاد ایران را با چالش‌هایی مهم روبه‌رو کرد.

مجموعه این عوامل را می‌توان در رکود اقتصادی حاکم بر کشور در سال ۸۸ تأثیرگذار دانست. بر اساس آمارهای جهانی و همچنین آمارهای بانک مرکزی، رشد اقتصادی سال ۸۷ بین ۲/۵ تا ۳ درصد بوده که این نرخ در پایان سال ۸۸ در حدود ۱/۵ درصد برآورد شده است. شاخص‌های دیگر نظیر محصول ناخالص داخلی، مجوز ساخت مسکن و مانند این موارد مهم طبق آمار با افت چشمگیری مواجه شده‌اند. با در نظر گرفتن موارد فوق، دو موضوع جلب توجه می‌کند. موضوع اول این است که کاهش رشد محصول ناخالص داخلی ایران در شرایطی رخ داده که کشور از لحاظ درآمدهای نفتی در شرایط مطلوبی قرار دارد. به علاوه، با وجود کاهش رشد اقتصادی، نرخ تورم کاهش چندانی نیافته است؛ هر چند دولت با برخی سیاست‌های کنترلی نظیر کاهش نقدینگی، تورم رسمی کشور را تا حدی کاهش داده، اما هنوز شاهد نرخ واقعی تک رقمی تورم نیستیم. ضمن این که اواخر سال گذشته، این نرخ مجدداً روند صعودی به خود گرفته و طبق آخرین گزارش‌های بانک جهانی به ۱۱/۵ تا ۱۲ درصد رسیده است.

موضوع دیگر این که هر گونه بحران در کشور می‌تواند بر سرمایه‌گذاری اثرات نامطلوب بگذارد، چرا که سرمایه‌گذاری یک امر بلند مدت است. حتی

اعطا شود و در آنجایی هم که با گروه‌های آسیب‌پذیر روبه‌رو هستیم، پرداخت نقدی انجام گیرد.

با توجه به امیدواری‌های سیاسی در سال جدید، موضوع هدفمندی یارانه‌ها، جدی‌ترین بحث اقتصادی سال جاری خواهد بود. اگر این قانون در ۶ ماهه اول سال اجرایی شود، تورم سیر صعودی خواهد یافت. به دنبال رشد تورم، احتمال ایجاد یک نوع رونق موقت در صنایعی مثل ساختمان وجود خواهد داشت. از سوی دیگر، مقداری فشار برای خرید ارز و طلا ایجاد می‌شود، زیرا سرمایه‌های کوچک به دلیل عدم امکان حضور در بخش‌های کلان، به سمت خرید ارز سوق پیدا می‌کنند. در عین حال، بر افشار حقوق‌بگیر جامعه فشار مضاعفی وارد خواهد شد که دولت با محاسبات خود و در قالب پرداخت نقدی، قرار است از این فشار بکاهد.

در چنین شرایطی، این احتمال وجود دارد که بانک‌ها - علی‌الخصوص بانک‌های خصوصی - ولو به شکل غیررسمی، به افزایش نرخ بهره و اعطای امتیازات ویژه به سپرده‌ها به منظور حفظ سپرده‌های مردمی اقدام کنند. طبیعی است هر چه افزایش تورم با سرعت بیشتری اتفاق بی‌افتد، وقایعی که ذکر شد، بیشتر روی خواهند داد.

در کنار موارد فوق، سیاست خارجی کشور به عنوان عامل مثبت یا منفی می‌تواند بر اقتصاد ۸۹ تأثیرگذار باشد. مسلماً هر گونه تحریم علیه ایران می‌تواند اثرات منفی زیادی بر اقتصاد کشور بگذارد که البته به نظر می‌رسد نقش این عامل نسبت به دو عامل داخلی ذکر شده (سیاست داخلی و بحث یارانه‌ها)، به مراتب کمتر باشد. ■

یارانه در کشور تردید ندارد. مسأله مهم در این زمینه، نحوه اجرای این قانون است. از آنجا که قانون مذکور، بسیار پیچیده است و ریزه‌کاری‌های زیادی دارد، توجه به نحوه صحیح و دقیق اجرای آن مسأله بسیار مهمتری در قیاس با خود اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها است. به عنوان مثال بنگرید به طرح بنگاه‌های زود بازده که طرح خوبی بود، اما در عمل به اهداف واقعی خود نرسید و نه تنها مشکل بیکاری را آنچنان که باید و شاید حل نکرد، بلکه بانک‌ها را با مشکل معوقات و اعتبارات وصول نشده مواجه کرد. این بدان دلیل است که زیرساخت‌های ما مشکل دارند. نکته آن است که این طرح، در قیاس با هدفمند کردن یارانه‌ها، طرح به مراتب کوچک‌تر و جزئی‌تری بود.

البته در خصوص قانون هدفمندی یارانه‌ها، کلیات مشخص شده‌اند، اما به جزئیات اشاره چندانی نشده و همچنین این که دولت چه امکاناتی برای اجرای طرح مذکور در نظر گرفته، چندان روشن نیست. مثلاً در خصوص این که دولت چگونه می‌خواهد ۳۰ درصد سهم خود را و با چه نسبتی به صنایع و بخش‌های اقتصادی تخصیص دهد روشن نیست. همچنین راجع به این که چه مؤلفه‌هایی سهم هر بخش را تعیین می‌کنند، اطلاعاتی ارائه نشده است. بنابراین اجرای قانون فوق با توجه به شمولیت آن در اکثر بخش‌های اقتصادی و بوروکراسی عریض و طویل مورد نیاز برای آن، بسیار مشکل بوده و برنامه‌ریزی دقیقی را می‌طلبد. از طرفی در خصوص پرداخت یارانه‌ها بهتر است دولت به جای این که مستقیماً پول نقد را بین مردم توزیع کند، امکانات را بین مردم توزیع کرده و مردم را به پرداخت نقدی دولت وابسته نکند. یعنی امکاناتی در حوزه‌های بهداشت، آموزش، مسکن، بیمه بیکاری و نظایر آن

گذشته و آینده بورس تهران

تا دور دست‌های بورس



نگاه دکتر حسن قالیباف اصل، مدیر عامل شرکت بورس اوراق بهادار تهران، به جایگاه بازار سرمایه

بورس اوراق بهادار به عنوان سمبل بازار سرمایه، مهمترین سازوکار پیش روی نظام‌های اقتصادی کنونی جهان برای جذب و تخصیص بهینه منابع پس‌اندازی و تبدیل آنها به مصارف سرمایه‌گذاری و تأمین مالی پروژه‌ها است. در اقتصاد کشور ما بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها در برنامه‌های مختلف توسعه اقتصادی در صورتی توسط دولت انجام شده که اگر از طریق بورس اوراق بهادار و سازوکار بازار سرمایه صورت می‌پذیرفت، بار مالی دولت و فشار کسری بودجه را به طور قابل توجهی کاهش می‌داد. به علاوه، دولت فرصت بیشتری می‌یافت تا با نظارت بر سرمایه‌های به کار گرفته شده، مدیریت طرح‌های عمرانی را به بهترین شکل انجام داده و کارایی سرمایه‌گذاری‌های صورت پذیرفته را در اقتصاد ملی افزایش دهد.

بورس اوراق بهادار، سازوکار ایجاد نظم اقتصادی است؛ بدین معنا که از این دریچه، سرمایه به واحدهای اقتصادی سودآور و با ارزش افزوده اقتصادی مناسب تخصیص می‌یابد. یک شرکت زیان‌ده نمی‌تواند نیازهای مالی خود را به راحتی تأمین کند. علاوه بر این، سخت‌گیری‌های لازمی که در پذیرش اوراق بهادار مختلف در بورس اعمال می‌شود، تا حدود زیادی مشارکت‌کنندگان این بازار را از عملکرد شرکت‌ها آسوده می‌سازد.

اما متأسفانه کفه ترازوی بازار مالی در ایران به نفع شبکه بانکی سنگینی

می‌کند. شاید هنوز فرهنگ‌سازی در خصوص تأمین مالی از طریق ابزارهای بازار سرمایه صورت نگرفته است، در نتیجه، بنگاه‌های اقتصادی شرایط ساده دریافت تسهیلات را از شبکه بانکی با هزینه بالا ترجیح می‌دهند. این عامل باعث شده تا بورس به جایگاه واقعی خود در اقتصاد ملی دست نیابد. برای این منظور باید بازار اوراق مشارکت راه‌اندازی شود و شرکت‌های پذیرفته شده به استفاده از ابزارهای بدهی در این بازار تشویق شوند که این مسأله نیازمند عزم جدی تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان ارشد اقتصادی کشور است تا با در نظر داشتن منافع بیشمار بازار سرمایه، زمینه تأمین مالی ارزان قیمت و در عین حال بلند مدت بنگاه‌های اقتصادی فراهم شود.

بورس و یارانه‌ها

تصویب و اجرای قانون یارانه‌ها یکی از مواردی است که بی‌شک تأثیرات فراوانی را بر بورس تهران به همراه خواهد داشت. طی سالیان طولانی، هر ساله بخش قابل توجهی از اعتبارات بودجه به یارانه‌ها تخصیص یافته است. براساس آمارهای رسمی